



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون  
 موضوع جزئی: ۳. اجماع منقول - بررسی حجیت اجماع منقول - ۲. حجیت اجماع  
 منقول بنا بر سایر مبانی - صورت اول: نقل سبب - اشکال - پاسخ محقق خراسانی  
 سال پانزدهم  
 تاریخ: ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۳  
 مصادف با: ۳ ذی القعدة ۱۴۴۵  
 جلسه: ۱۰۶

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

بحث ما در مورد حجیت اجماع منقول به خبر واحد بود. عرض کردیم تارتا بحث درباره نقل اجماع، بنا بر این است که ناقل عن حس اجماع را نقل کرده و رأی معصوم کشف شده باشد و اخری عن حدس. بنا بر اینکه اجماع عن حس نقل شده باشد که این در واقع در قالب اجماع دخولی و اجماع تشرفی تحقق دارد، گفتیم به سه صورت ممکن است نقل شود: ۱. گاهی به صورت نقل سبب است؛ ۲. گاهی به صورت نقل مسبب؛ ۳. گاهی به صورت نقل هر دو. حال اگر منقول الیه به این مبنا معتقد باشد، این اجماع معتبر است، چون ادله حجیت خبر شامل آن می شود لکن مشکل این است که وقوع خارجی آن محل تردید است و در عصر غیبت تحقق ندارد.

#### ادامه بحث در حجیت اجماع منقول بنا بر سایر مبانی

اما در صورتی که اجماع حدسی باشد، حال یا به نحو ملازمه عقلی یا به نحو ملازمه عادی یا به نحو ملازمه اتفاقی (چنانچه محقق خراسانی نامگذاری کردند)، بالاخره در همه اینها کشف رأی معصوم به نحو حدس است. این خودش صوری دارد که یک صورتش همان صورت نقل سبب است.

#### صورت اول: نقل سبب

محقق خراسانی اینجا فرمودند اگر نقل سبب کند این از حیث نقل سبب حجیت دارد، فرض کنید اگر خود شخص می رفت و یک به یک اقوال علماء را تفصیلاً احصاء می کرد و معتقد بود که اتفاق علما کاشف از رأی معصوم است، در این صورت آراء و فتاوی علماء عن حس خبر داده شده، ولی رأی معصوم را عن حدس کشف می کند. حال وقتی می بیند که یک نفر آراء علماء را نقل کرده و او نیز ثقه است، به جای اینکه یک به یک نام ببرد از علماء به صورت مجمل گفته است اتفاق العلماء، این اخبار از سبب کرده و حسی هم بوده؛ محقق خراسانی می گوید این حجت است، مثل اینکه خودش می رفت این کار را می کرد ولی الان یک نفر رفته این زحمت را کشیده است و این را برای او نقل کرده است.

در ادامه محقق خراسانی می فرماید: فرض کنید این مثلاً ۵۰ نفر را بررسی کرده و گفته اجمع العلماء علی کذا، ولی شخص منقول الیه می بیند آن اقوالی که این آقا نقل کرده، همه اقوال نیست، لذا علاوه بر آنها خودش یک تعداد دیگری را نیز تتبع کرده و رأی آنها را به دست آورده و از ضمیمه آنچه خودش به دست آورده، به آنچه که ناقل نقل کرده است، یک اتفاق کامل به دست می آید و کأنه جمیع فتاوا را با ضمیمه این دو دسته تحصیل کرده، لذا مثل اجماع محصل است و از نظر ارزش فرقی با اجماع محصل ندارد.

ناقل گفته اجمع العلماء علی کذا، حال منقول الیه یا به این تعداد قانع می شود و یا قانع نمی شود و علاوه بر اینها یک تعدادی را خودش تحصیل می کند و می گوید این مقدار کافی نیست. اگر آن مقدار را کافی بداند و قانع شود حجت است، زیرا نقل عن حس است و به جای اینکه خودش برود تحصیل کند یک نفر دیگر رفته تحصیل کرده که ثقه بوده و این به او اعتماد دارد و برای او کافی است. به علاوه معتقد است این عادات ملازمه دارد با رأی معصوم، بنابراین می شود حجت. اگر هم آن تعداد برای او کافی نباشد، حال یا خودش یا دیگری، یک تعدادی دیگری از آراء را دنبال می کند و می بیند که آنها نیز همین نظر را دادند و بعد می آید آنها را به هم ضمیمه می کند و آنگاه از مجموع اینها رأی معصوم را بالملازمة العادیه کشف می کند؛ ایشان می فرماید این نیز حجت است.

### اشکال

یک اشکال مقدری را خود محقق خراسانی جواب داده است. آن اشکال مقدر این است که دلیل حجیت خبر واحد آن چیزی که ناقل نقل کرده (آن پنجاه نفر) را حجت نمی داند چون بدون ضمیمه هیچ اثری ندارد، اما وقتی این پنجاه نفر دیگر را خود منقول الیه ضمیمه کند، آنگاه حجیت پیدا می کند. سوال این است که ادله حجیت خبر واحد آنچه را که ناقل نقل کرده، به تنهایی نمی تواند حجت کند. ناقل مثلاً آمده گفته است اجمع العلماء و منظورش از علما پنجاه نفر بوده و به نظر منقول الیه پنجاه نفر کافی نیست، در این صورت ادله حجیت خبر واحد این اجماع را حجت نمی کند، ادله حجیت خبر واحد، اتفاق ناقص را حجت نمی کند، زیرا بدون آن ضمیمه کاشف از رأی معصوم نیست و فایده ای ندارد. پس ادله حجیت خبر واحد نمی تواند اتفاق این پنجاه نفر را که او نقل کرده است برای ما حجت کند. این یک اشکال مقدری است که محقق خراسانی در کفایه سعی کرده به آن پاسخ دهد.

### پاسخ محقق خراسانی

محقق خراسانی معتقد است که ادله حجیت خبر واحد چه آن خبر واحد اثر تام داشته باشد چه اثر ناقص هر دو را حجت می کند اگر مخبر به تمام السبب باشد حتماً رأی معصوم ثابت می شود، یعنی مثلاً ناقل آمده رأی پنجاه نفر را نقل کرده است و منقول الیه هم با این رأی پنجاه نفری قانع شده و آن را به عنوان اتفاق علماء قبول کرده است و این را کاشف از رأی معصوم می داند. اینجا روشن است که اتفاق این تعداد از علماء تمام السبب برای کشف رأی معصوم است، ولی اگر اتفاق پنجاه نفر تمام السبب برای کشف رأی معصوم نباشد، بلکه جزئی از سبب باشد، یعنی باید پنجاه نفر دیگر ضمیمه شود تا کاشف از رأی معصوم باشد. همین که این جزئی از سبب و مقتضی برای کشف رأی معصوم باشد مشمول ادله حجیت خبر واحد می شود. ادله حجیت خبر واحد اینطور نیست که فقط آن نقل اتفاقی که تمام السبب در کشف رأی معصوم باشد را حجت کند، ادله حجیت خبر واحد حتی نقل اتفاق نصف علما را نیز حجت می کند. بله، جزئی از سبب که فراهم شد آنگاه یک جزء دیگر هم به این ضمیمه می شود، نتیجه اش کشف رأی معصوم است. پس به هر حال رأی معصوم از نقل این اتفاق کشف شده است، حال یا این اتفاق که نقل شده است تمام السبب است یا جزء السبب یعنی نیازمند ضمیمه است.

مدعای محقق خراسانی این است که ادله حجیت خبر واحد آن خبری را حجت می کنند که به نحوی تأثیر در کشف حکم شرعی داشته باشد ولی فرق نمی کند این تأثیر تام باشد یا ناقص. چه کسی گفته است ادله حجیت خبر واحد تنها جایی را که مستقیم کشف رأی معصوم می کند را حجت می کند مثلاً یک راوی به نام ابوبصیر از امام صادق (ع) روایتی را نقل کرده است و ما الان نمی دانیم

این ابابصیر کدام ابابصیر است، زیرا ما چند راوی با کنیه ابابصیر داریم، بعد یک روایت دیگری می آید به نوعی برای ما مشخص می کند آن ابوبصیری که در فلان روایت از او نقل شده، این همان ابابصیر ثقه است. این روایت دوم هیچ حکم شرعی را بیان نکرده است، بلکه تنها خصوصیات ابوبصیر را نقل کرده ولی این چون با ضمیمه به روایت قبلی دارای اثر می شود پس ادله حجیت خبر واحد این روایت را نیز در بر می گیرد. اگر قرار بود ما فقط آن دسته از روایاتی را که تمام السبب در حکم شرعی هستند را حجت کند خیلی از روایات از حیز انتفاع ساقط می شدند یا مثلاً گاهی در یک روایتی از امام (علیه السلام) سوال می شود در مورد یک مطلبی، به صورت مجمل، یک قضیه ای را خیلی مجمل در این روایات بیان کرده است و این اجمال باعث می شود که ما در فهم مراد امام دچار مشکل شویم که این داستان اصلاً چی بوده و برای چه امام این را فرموده است؟ حال اگر یک روایت دیگری به نوعی ناظر به این قضیه باشد و به ما کمک کند که این روایت از ابهام خارج شود، این روایت حجت است و مشمول ادله حجیت خبر واحد می شود، زیرا درست است که بیان خصوصیات یک قضیه خودش مستقیماً حکم شرعی نیست اما به نوعی تأثیر دارد در یک حکم شرعی دیگر و به ما کمک می کند که ما بفهمیم این قضیه دارای چه خصوصیات است.

پس ادله حجیت خبر واحد، هم نقل اجماعاتی که تمام السبب در کشف رأی معصوم است را حجت می کند و هم نقل اجماعاتی که جزء السبب در کشف رأی معصوم است، لذا مشکلی نیست در اعتبار نقل این اتفاق که به تنهایی و بدون ضمیمه کاشف از رأی معصوم نیست، زیرا بالاخره جزء السبب است. این پنجاه نفر به تنهایی رأیشان کشف رأی معصوم نمی کند ولی این ظرفیت را دارد که پنجاه نفر دیگر را خود منقول الیه به آن ضمیمه و رأی معصوم را کشف کند. این فرمایش محقق خراسانی است و پاسخی که به آن اشکال مقدر می دهند.

#### سوال:

استاد: اینجا حدسی است، فرض ما این است که مسبب حدسی است فرض این است که نقل سبب کرده است عن حس اما مسبب یعنی رأی معصوم که اصلاً نقل نشده است ولی رأی معصوم عند الناقل بالملازمة ثابت شده است و همین مبنا نزد منقول الیه پذیرفته شده است.

#### سوال:

استاد: مخبر به همین است، محقق خراسانی می گوید ناقل از اتفاق علماء خبر می دهد و این عن حس است، اینجا فقط نقل سبب است و کاری به ناقل ندارد که مبنایش چیست؛ اصلاً اینکه او رأی معصوم را کشف کرده است، به او اعتنا نمی کنند، او نقل اجماع کرده است و مبنایش این بوده که رأی معصوم قابل کشف است، حال منقول الیه به جای اینکه برود خودش تتبع کند آراء فقها را، به یک نفر مثل علامه اعتماد می کند، حال یا این همان را کافی می داند و یا باید ضمیمه کند یک تعداد دیگری را، عمده این است، اینجا دیگر مسبب یعنی رأی معصوم بالملازمة برای خود او کشف می شود، اینجا دیگر اعتماد به ناقل ندارد، زیرا او فقط سبب را نقل کرده و مسبب را نقل نکرده است، مثل این است که یک نفر از یک خبره کمک بگیرد و بگوید برو اقوال را برای من پیدا کن، او هم رفته اقوال را پیدا کرده و آورده و این شخص از اتفاق پنجاه نفر بدون ضمیمه یا صد نفر که پنجاه نفرش را خودش ضمیمه

کرده، منتقل شده به رأی معصوم و رأی معصوم را کشف کرده. پس اینجا اخبار او از سبب است، نقل سبب کرده است، این عن حس هم هست، امر غیر متعارفی هم نیست، این چرا حجت نباشد، ادله حجیت خبر چرا شاملش نشود؟ خلاصه آن که اشکال مقدری که محقق خراسانی به آن پاسخ داده این است که این در جایی که نقل اجماع تمام السبب باشد قبول است، ولی در جایی که نیازمند ضمیمه است، قابل قبول نیست زیرا ادله حجیت خبر خبری را حجت می کنند که تمام السبب در کشف حکم شرعی باشد، نه جزء السبب؛ محقق خراسانی نیز جواب دادند که هر دو را حجت می کند و هیچ محذوری در این جهت نیست.

پس اجماع منقول در صورتی که ما اجماع دخولی و تشریفی را بپذیریم، چه به صورت نقل سبب و چه مسبب و چه هر دو معتبر است به شرط اینکه ناقل و منقول هر دو آن را پذیرفته باشند. منتهی اشکالش این است که این تحقق ندارد در زمان غیبت. ولی در مورد حجیت اجماع منقول بنا بر مبانی دیگر گفتیم تارة نقل سبب می شود که ملاحظه کردید محقق خراسانی آن را حجت می داند و یک اشکال مقدر را نیز پاسخ دادند اینجا یک عده به محقق خراسانی اشکال کردند که این حرف درست نیست. که باید ببینیم این اشکال وارد است یاخیر.

«والحمد لله رب العالمین»